



نویسنده : ویلیام ون واگنن «William von Wagenen».

منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ «2023-07-07».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» . [130]

چگونه طالبان مواد مخدر هروئین سیا را در افغانستان درهم شکستند

How the Taliban crushed the CIA's heroin bonanza in Afghanistan

طالبان نه یک بار، بلکه دو بار کشت خشخاش در افغانستان را که بزرگترین منبع هروئین در جهان است، از بین برده است. علیرغم اتهامات غرب، طالبان هرگز پشت صنعت مواد مخدر افغانستان نبوده اند، بلکه تنها ایالات متحده و متحدانش بوده اند که میلیارد دلار سود به سرعت از طریق سیستم مالی جهانی شسته شده بدست آوردند.

The Taliban has not once ,but twice eradicated Afghanistan's poppy cultivation, the world's largest source of heroin. Despite western accusations, it has never been The Taliban behind the Afghan drug industry, but only ever the US and its allies, with billions in profits breezily laundered through the global financial system.



پس از خروج هرج و مرج ایالات متحده و بریتانیا از افغانستان در اوت 2021، **حمید میر**، روزنامه‌نگار پاکستانی در واشنگتن پست نسبت به خطرات «بی‌توجهی به یک پیامد مهم تسلط طالبان: رونق آینده در تجارت مواد مخدر افغانستان» هشدار داد.

میر سپس به جرأت پیش‌بینی کرد که "در چند سال آینده، سیل مواد مخدر از افغانستان ممکن است به تهدیدی بزرگتر از تروریسم تبدیل شود".

این پیش‌بینی رونق تجارت بین‌المللی مواد مخدر با توجه به اتمات طولانی مدت مبنی بر اینکه طالبان شورش دو دهه خود را علیه نیروهای اشغالگر از طریق کنترل تولید تریاک تأمین مالی کرده‌اند، قابل قبول به نظر می‌رسید. واقعاً، اعتقاد بر این بود که 95 درصد هروئین مورد استفاده در بریتانیا از تریاک افغانی منشأ می‌گیرد.

پس‌جای تعجب است که گزارشی در ژوئن 2023 که توسط Alcis، یک شرکت خدمات اطلاعات جغرافیایی مستقر در بریتانیا منتشر شد، فاش کرد که دولت طالبان کشت تریاک را در کشور حذف کرده است و مواد اولیه مورد نیاز برای تولید هروئین را از بین برده است. این نتیجه منعکس‌کننده حرکت مشابهی توسط طالبان در سال 2000 بود، زمانی که آنها برای اولین بار در قدرت بودند.

از قضا، جامعه بین‌المللی به جای ستایش رهبران جدید کابل برای از بین بردن منبع مواد مخدر غیرقانونی، به این تحول با انتقاد پاسخ داد. حتی مؤسسه صلح ایالات متحده (USIP) که توسط دولت ایالات متحده تمویل می‌شود، استدلال کرد که "ممنوعیت موفقیت‌آمیز تریاک توسط طالبان برای افغان‌ها و جهان بد است".

چنین نارضایتی غرب نسبت به تلاش‌های طالبان برای از بین بردن تجارت جهانی هروئین ممکن است در نگاه اول گیج‌کننده به نظر برسد.

با این حال، بررسی دقیق‌تر رویدادهای افغانستان، دیدگاه متفاوتی را نشان می‌دهد. تحت عنوان "جنگ علیه ترور"، تهاجم سال 2001 ایالات متحده و بریتانیا تا حدی ناشی از تمایل به بازگرداندن تجارت هروئین بود که طالبان یک سال قبل به طور ناگهانی آن را پایان داده بودند.

قدرت های غربی به دنبال برقراری مجدد جریان سودآور میلیاردی دلاری بودند که تجارت هروئین به سیستم های مالی آنها می داد. در واقع، "برای 20 سال، آمریکا اساساً یک دولت مواد مخدر در افغانستان را اداره می کرد".

"دلار در برابر دلار"

برای درک منشأ تجارت هروئین افغانستان، بررسی دخالت ایالات متحده در این کشور آسیای مرکزی ضروری است، که در سال 1979 آغاز شد، زمانی که **سیا** یک برنامه مخفی را برای تضعیف دولت افغانستان طرفدار شوروی در کابل آغاز کرد.

ایالات متحده به طور مخفیانه از چتر مبارزان چریکی مسلمان موسوم به مجاهدین حمایت کرد، با این امید که یک شورش تحریک آمیز ارتش شوروی را ترغیب به مداخله کند. این اقدام حساب شده شوروی را مجبور به اشغال افغانستان و شرکت در یک کارزار طولانی و پرهزینه ضد شورش می کند و در نتیجه اتحاد جماهیر شوروی را در طول زمان تضعیف می کند.

. برای انجام این کار، **سیا** به متحدان نزدیک خود، عربستان سعودی و پاکستان، برای کمک متوسل شد. **بندر بن سلطان**، شاهزاده سعودی، دیداری بین **ویلیام کیسی**، رئیس **سیا** و **فهد**، پادشاه عربستان سعودی را تسهیل کرد که در آن سعودی ها متعهد شدند که «دلار آمریکا در برابر دلار حمایت از مجاهدین» را مطابقت دهند.

ایالات متحده و عربستان سعودی، با کمک اطلاعات بین سرویس پاکستان (ISI)، اردوگاه های آموزشی برای مجاهدین در پاکستان برپا کردند و مستشاران، سلاح و پول نقد بخاطر مبارزه با شوروی به آنها عرضه کردند.

گلبدین حکمتیار، بنیانگذار شبه نظامی حزب اسلامی، از برجسته ترین رهبران مجاهدین بود که حدود 600 میلیون دلار از **سیا** و متحدانش کمک دریافت کرد.

روزنامه نگار **استیو کول** در کتاب جنگ های ارواح برنده جایزه پولیتزر می نویسد که **حکمتیار** از رادیکال ترین، ضد غربی ترین و فراملیتی ترین شبکه های اسلام گرا، از جمله **اسامه بن لادن** و دیگر داوطلبان عرب، برای جنگ با او استخدام کرد. افسران **سیا** «حکمتیار» را به عنوان قابل اعتمادترین و مؤثرترین متحد خود و «کارآمدترین در کشتن عساکر شوروی» پذیرفتند.

کاروان های تریاک

کمک به حکمتیار و دیگر رهبران مجاهد تنها به پول نقد و سلاح محدود نمی شد. به گفته مورخ مشهور **آلفرد مک کوی** :

در سال‌های 1979 و 1980، درست زمانی که تلاش‌های **سیا** در حال افزایش بود، شبکه ای از آزمایشگاه‌های هروئین در امتداد مرز افغانستان و پاکستان افتتاح شد. آن منطقه به زودی به بزرگترین تولیدکننده هروئین در جهان تبدیل شد.

این فرآیند شامل قاچاق آدامس خام تریاک به پاکستان می‌شد که در آزمایشگاه‌هایی که توسط **آی‌اس‌آی** اداره می‌شد، به هروئین تبدیل می‌شد. سپس محصول نهایی به طور محتاطانه از طریق فرودگاه‌ها، بنا در یا مسیرهای زمینی پاکستان حمل می‌شد.

تا سال 1984، هروئین افغانستان 60 درصد احتیاج بازار ایالات متحده و 80 درصد بازار اروپا را تامین می‌کرد، در حالی که به طور ویرانگری 1.3 میلیون معتاد به هروئین را در پاکستان ایجاد کرد، کشوری که قبلاً از مواد مخدر بسیار اعتیاد آورده بود.

مک کوی همچنین می‌گوید که «کاروان‌هایی که سلاح‌های **سیا** را برای گروپهای مقاومت به آن منطقه حمل می‌کردند، اغلب وسایل ترانسپورتهی مملو از تریاک به پاکستان بازمی‌گشتند». گزارش‌های مربوط به سال 2001 به نقل از نیویورک تایمز تأیید می‌کند که این اتفاق «با موافقت افسران اطلاعاتی پاکستانی یا آمریکایی که از مقاومت حمایت می‌کردند» روی داده است. در ماه می 1990، واشنگتن پست گزارش داد که دولت ایالات متحده برای چندین سال گزارش‌هایی مبنی بر قاچاق هروئین توسط متحدانش، از جمله «گزارش‌های اولیه قاچاق هروئین توسط فرماندهان تحت رهبری گلبدین حکمتیار» دریافت کرده، اما از تحقیق آن خودداری کرده است.

ظهور طالبان

هنگامی که شوروی سرانجام در سال 1989 از افغانستان عقب‌نشینی کرد، کشور یعنی افغانستان وارد جنگ داخلی شد زیرا جناح‌های اصلی تحت حمایت **سیا** شروع به جنگ بین خود برای کنترل کشور کردند. رهبران مجاهدین جنگ سالار شدند و جنایات وحشتناکی را علیه مردم محلی مرتکب شدند در حالی که در میان خود می‌جنگیدند.

در جریان این هرج و مرج بود که طلاب مذهبی مدارس (مدارس علمیه)، طالبان، با کمک استخبارات پاکستان برای کنترل کشور در سال 1996 ظهور کردند و متعاقباً تجارت تریاک را به ارث بردند، که برای چندین سال بدون مانع ادامه یافت.

اما در جولای 2000، **ملاعمر رهبر** طالبان دستور ممنوعیت کشت تریاک را صادر کرد. قابل توجه است که طالبان با موفقیت 94 درصد برداشت تریاک را کاهش دادند و تولید سالانه را تنها به 185 تن تنزیل نمودند.

پنج ماه بعد، در دسامبر 2000، ایالات متحده و روسیه از شورای امنیت سازمان ملل برای اعمال تحریم‌های شدید جدید علیه افغانستان استفاده کردند، به این دلیل که طالبان

از تحویل **اسامه بن لادن**، رهبر القاعده، پس از بمباران **ناویو اس اس** کول در یمن، خودداری کردند. که 17 ملوان آمریکایی کشته شدند. بن لادن در سال 1996 پس از اخراج از سودان به امارت اسلامی پناه برده بود.

نیویورک تا یمز گزارش داد که مقامات آمریکایی علیرغم هشدارهای سازمان ملل مبنی بر اینکه "یک میلیون افغان ممکن است در ماه های آینده به دلیل خشکسالی و ادامه جنگ داخلی با گرسنگی مواجه شوند، به دنبال اعمال تحریم های جدید بودند".

پس از حملات 11 سپتامبر 2001، مقامات **دولت بوش** بار دیگر از طالبان خواستند **بن لادن** را تحویل دهند **ملا عمر** اصرار داشت که ایالات متحده ابتدا مدرکی دال بر گناهکار بودن **بن لادن** ارائه کند، اما **پرزیدنت بوش** این درخواست را رد کرد و به نیروی هوایی ایالات متحده دستور داد تا در 7 اکتبر بمباران افغانستان را آغاز کنند.

در پی این بمب گذاری، **ملا عمر** از تقاضای شواهد صرف نظر کرد و پیشنهاد داد **بن لادن** را برای محاکمه به ایالات متحده توسط پاکستان تحویل دهد. مقامات دولت بوش یک بار دیگر نپذیرفتند.

اسکات هورتون، روزنامه نگار و نویسنده، در کتابش به نام «عمل احقانه» به جنبه ای عجیب از کارزار ایالات متحده اشاره می کند: عدم تمرکز واضح بردستگیری یا حذف **بن لادن** در واقع، پرزیدنت **بوش** قبلاً در 25 سپتامبر اعلام کرده بود که موفقیت یا شکست را نباید صرفاً با دستگیری **بن لادن** تعریف کرد.

هورتون همچنین خاطر نشان می کند که برنامه ریزان آمریکایی هیچ تلاش اولیه ای برای تعقیب **بن لادن** و جنگجویان عرب خارجی حامی او انجام ندادند. در عوض، ژنرال **تامی فرانکز**، رئیس فرماندهی مرکزی ایالات متحده، شراکت با **رشید دوستم**، فرمانده جنگ افغانستان را برای کنترل شمال کشور و ایجاد یک "پیوند زمینی" با ازبکستان در اولویت قرار داد.

روی آوردن به جنگ سالاران:

آلفرد مک کوی برای تصرف پایتخت، کابل، و دیگر شهرهای کلیدی جنوب، به **سیا** اشاره می کند:

به گروهی از جنگ سالاران پشتون در حال ظهور در امتداد مرز پاکستان که به عنوان قاچاقچی مواد مخدر در بخش جنوب شرقی این کشور فعال بودند، روی آورد. در نتیجه، زمانی که طالبان فروپاشیدند، زمینه برای از سرگیری کشت تریاک و تجارت مواد مخدر در سطح وسیعی فراهم شده بود».

اگرچه نیروهای آمریکایی برای جلوگیری از فرار **بن لادن** به پاکستان خیلی دیر کرده بودند، کمپین بمباران ایالات متحده درست در زمان آغاز فصل کاشت خشخاش انجام شد. خشخاش را در پاییز می‌کارند تا شیره گیاهی که از آن تریاک می‌گیرند، در بهار برداشت شود.

مک کوی همچنین تصریح کرد که «آژانس (سیا) و متحدان محلی آن شرایط ایده‌آلی را برای لغو ممنوعیت تریاک طالبان و احیای قاچاق مواد مخدر ایجاد کردند. تنها چند هفته پس از فروپاشی طالبان، مقامات از فوران کاشت خشخاش در سرزمین‌های هروئین‌هلمند و ننگرهار خبر دادند.

در ماه دسامبر، یکی از این جنگ سالاران در حال ظهور پشتون، حامد کرزی، به عنوان رئیس اداره موقت افغانستان و سپس رئیس جمهور منصوب شد.

در بهار سال 2002، مقدار زیادی هروئین افغانستان بار دیگر از طریق پروازهای روزانه از فرودگاه‌های پاکستان به بریتانیا منتقل می‌شد. گاردین پرونده دختر 13 ساله‌ای را مشاهده کرد که پس از خروج از هواپیمای خطوط هوایی پاکستان بین‌المللی از اسلام‌آباد به لندن که حامل 13 کیلوگرم هروئین به ارزش خیابانی 910000 پوند بود، متوقف شد.

مقیاس صنعتی

به لطف ویاکه توسط ژنرال فرانک «ارتباط از راه زمین»، ایجاد شده بود که هروئین نیز بلافاصله از مزار شریف، تحت کنترل **رشید دوستم**، متحد سیا، به ازبکستان و سپس به روسیه و اروپا جریان یافت.

کریگ موری، سفیر بریتانیا در ازبکستان، شاهد جریان هروئین بود و توضیح داد که **دوستم**، یک نژاد ازبک، قاچاق هروئین را از افغانستان به ازبکستان تسهیل می‌کرد، جایی که آن را به بالای خط آهن، با عدل‌های پنبه حمل می‌کرد. به مسکو و سپس به ریگا. همانطور که **موری** اشاره کرد: تریاک در مقیاس صنعتی نه در آشپزخانه‌ها بلکه در کارخانه‌ها به هروئین تبدیل می‌شود. میلیون‌ها گالن از مواد شیمیایی مورد نیاز برای این فرآیند با تا نکر به افغانستان ارسال می‌شود... چهار بازیگر بزرگ در تجارت هروئین، همگی از اعضای ارشد دولت افغانستان هستند - دولتی که سربازان ما برای محافظت از آنها می‌جنگند و جان خود را از دست می‌دهند.»

رویکردی برخورد توسط دست‌های از دور:

«علاوه بر **دوستم**، **احمد ولی کرزی**، برادر کوچکتر **حامد کرزی**، رئیس جمهور افغانستان، به سرعت نقش برجسته‌ای در تجارت هروئین افغانستان به دست آورد.

گزارش‌های موثق نشان می‌دهد که **ولی کرزی** عمیقاً در تجارت هروئین دست داشته است، با این حال، به گفته نیویورک تایمز، این رویدادها هرگز مورد بررسی قرار نگرفت، «هرچند ادعاهایی مبنی بر اینکه او از قاچاق مواد مخدر سود برده است به طور گسترده در افغانستان پخش شده است»

« مقامات ارشد در آژانس مبارزه با مواد مخدر ایالات متحده (DEA) و دفتر مدیر استخبارات ملی (DNI) شکایت کردند که **بوش** "کاخ سفید به دلیل ظرافت سیاسی موضوع، از رویکردی دست به دست در قبال احمد ولی کرزی حمایت می‌کند". یعنی که مانع کار و فعالیت احمد ولی کرزی نمیشود.

بعداً روزنامه تایمز گزارش داد که به گفته یکی از مقامات ارشد سابق وزارت داخله افغانستان، منبع اصلی نفوذ **ولی کرزی**، کنترل وی بر پل‌های کلیدی عبور از رودخانه هلمند در مسیر بین مناطق تریاک در ولایت هلمند و قندهار بوده است. این به کرزی اجازه داد تا هزینه‌های هنگفتی را از قاچاقچیان مواد مخدر دریافت کند تا به کامیون‌های حامل مواد مخدر آنها اجازه عبور از پل‌ها را بدهد.

ولی کرزی مانند **دوستم و حکمتیار**، امپراتوری وی را داد و ستد هروئین خود را در زمانی که آنها در لیست حقوق و دستمزد **سیا** بود، ساختند این آژانس در سال 2001 شروع به پرداخت پول به **کرزی** کرد تا یک نیروی شبه نظامی افغان را استخدام کند که به دستور آژانس در داخل و اطراف قندهار عمل می‌کرد و یک مجتمع بزرگ را برای استفاده به عنوان پایگاه نیروی ضربت قندهار اجاره کرد. **سیا** همچنین از کمک **کرزی** در برقراری ارتباط و گاهی ملاقات با افغان‌های وفادار به طالبان قدردانی کرد.

ولی کرزی به عنوان رئیس شورای ولایتی منتخب قندهار نیز کار می‌کرد. به گفته یک افسر ارشد نظامی آمریکایی در کابل به نقل از تایمز، "صدها میلیون دلار پول مواد مخدر در منطقه جنوبی جریان میداشت یا دست به دست میشد ولی هیچ اتفاقی در جنوب افغانستان بدون اطلاع رهبری منطقه نمی‌افتد".

بازی سرزنش کردن

در اواخر سال 2004، در حالی که گزارش‌هایی مبنی بر دخالت **کرزی** در تجارت هروئین در حال ظهور بود، **آلفرد مک‌کوی** می‌نویسد که «کاخ سفید ناگهان با اطلاعات نگران‌کننده **سیا** مواجه شد که نشان می‌داد تجارت فزاینده مواد مخدر به احیای طالبان دامن می‌زند».

پیشنهاد **کالین پاول** وزیر امور خارجه برای مبارزه با تجارت هروئین با مخالفت **زلمی خلیلزاد** سفیر ایالات متحده در افغانستان و **اشرف غنی** وزیر دارایی وقت افغانستان

روبرو شد به عنوان یک مصالحه، **دولت بوش** از پیمانکاران خصوصی برای ریشه کنی خشخاش استفاده کرد، تلاشی که بعدها **کارلوتا گال**، روزنامه نگار نیویورک تا میز آن را «چیزی شوخی» توصیف کرد.

علاوه بر این، گزارش‌هایی مبنی بر ارسال تلگراف در سال 2005 از سوی سفارت ایالات متحده در کابل برای **جانشین پاول**، وزیر امور خارجه، **کاندولیزا رایس**، بریتانیا را به عنوان «مسئول اساسی» در از بین بردن کشت خشخاش می‌دانست. پرسنل بریتانیایی محل کار تیم‌های ریشه‌کنی را انتخاب می‌کردند، اما این مناطق اغلب مناطق اصلی در حال رشد نبودند و «انگلیسی‌ها تما یلی به تجدید نظر در اهداف نداشتند».

این تلگراف همچنین از رئیس جمهور کرزی انتقاد می‌کرد، که «مایلی نبود رهبری قدرتمند خود را مطرح کند» یا وجود این، وزارت امور خارجه از او دفاع کرد و گفت: «رئیس جمهور کرزی یک شریک قوی است، و ما به او اعتماد داریم»، علیرغم گزارش‌ها در مورد نقش کلیدی برادرش در تجارت هروئین.

اما مشکل فراتر از **ولی کرزی** بود. گزارش سازمان ملل متحد برای بانک جهانی که در فوریه 2006 منتشر شد، به این نتیجه رسید که تجارت هروئین افغانستان با کمک بسیاری از مقامات ارشد دولت افغانستان و تحت حمایت وزارت کشور افغانستان انجام می‌شود.

با افزایش شواهد دال بر دخالت **سیا** و دولت افغانستان در تجارت هروئین، تمرکز رسانه‌های غربی به سمت مقصر دانستن طالبان برای استفاده از سود مواد مخدر برای تأمین مالی شورش خود علیه نیروهای خارجی معطوف شد.

با این حال، مورخ **پیتر دیل اسکات** با استناد به برآوردهای سازمان ملل مبنی بر اینکه سهم طالبان از اقتصاد تریاک افغانستان در مقایسه با حامیان دولت کرزی، کسری است، این روایت را به چالش کشید. **اسکات** تاکید کرد که بیشترین سهم از تجارت مواد مخدر توسط کسانی که با دولت افغانستان همسو هستند کنترل می‌شود.

موج یا افزایش آنی «surge»

در اوایل سال 2010، دولت **اوباما** از افزایش «33000» سرباز آمریکایی برای کمک به آرام کردن کشور با تمرکز ویژه بر مناطق کلیدی معروف به کشت خشخاش خبر داد. یکی از این ولسوالی‌ها **مارجا** در ولایت هلمند بود که **مک کوی** از آن به عنوان «پایتخت هروئین جهان» یاد کرده.

علیرغم مأموریت افزایش، فرماندهان آمریکایی به نظر می‌رسیدند که از اهمیت **مارجا** به عنوان مرکز تولید هروئین، که توسط مزارع تریاک اطراف که 40 درصد از عرضه غیرقانونی تریاک جهان را تشکیل می‌داد، تغذیه می‌کرد، بی‌اطلاع بودند.

در سپتامبر 2010، هشت ماه پس از آغاز افزایش، گزارش‌های "غیر قابل اثبات" منتشر شد مبنی بر اینکه سربازان بریتانیا بی در قاچاق هروئین به خارج از افغانستان با استفاده از هواپیماهای نظامی در فرودگاه‌های کمپ باستیون و قندهار دست داشتند .

کمپ باستیون که به طور مشترک توسط بریتانیا و ایالات متحده اداره می‌شود، در نزدیکی لشکرگاه، یکی دیگر از مراکز عمده کشت خشخاش، قرار داشت در سال 2012، ادعا شد که کشت خشخاش در دست در خارج از محوطه پایگاه انجام می‌شود و سربازان انگلیسی از کشاورزان در برابر نیروهای امنیتی افغان محافظت می‌کنند .

در اواخر سال 2014، نیروهای بریتانیایی و آمریکایی از کمپ باستیون عقب نشینی کردند و آن را به نیروهای افغان تسلیم کردند که نام آن را کمپ شوریک گذاشتند با این حال، طبق یک گزارش سازمان ملل، "منطقه کشت تریاک در اطراف پایگاه اصلی بریتانیا در افغانستان بین سال‌های 2011 و 2013 تقریباً چهار برابر شده است ."

علیرغم عقب نشینی، صادرات تریاک از کمپ شوریک ظاهراً ادامه داشت و تعداد کمی از پرسنل نظامی بریتانیا در سال 2015 در آنچه توسط وزارت دفاع به عنوان نقش مستشاری توصیف شد، بازگشتند .

در سال 2016، **عبیدالله بارکزی**، نماینده مجلس ملی افغانستان، مدعی شد: «برای چند قاچاقچی محلی مواد مخدر غیرممکن است که تریاک را به هزاران کیلو منتقل کنند . این کار آمریکایی‌ها و انگلیسی‌هاست . آنها آنرا یعنی تریاک را با هوا از کمپ شوریک حمل می‌کنند .»

پس از خروج هرج و مرج نیروهای آمریکایی از افغانستان در اوت 2021، طالبان بار دیگر موفق به حذف کشت خشخاش شدند و نشان دادند که در نهایت از یک "کارتل اختصاصی مواد مخدر" فاصله زیادی دارد .

به دنبال پول

در نوامبر 2021، یک تاجر تریاک ادعا کرد که «تمام سود به کشورهای خارجی می‌رود . افغان‌ها فقط نیروی کار را تامین می‌کنند» .

پیتر دیل اسکات خاطر نشان کرد که بر اساس گزارش سازمان ملل ، حدود 352 میلیارد دلار سود دارویی به سیستم مالی غرب، از جمله از طریق بزرگترین بانک‌های ایالات متحده در سال 2009، جذب شده است . در نتیجه، **اسکات** گفت: «دخالت ایالات متحده در مواد مخدر بین المللی ترافیک سیاه، منافع مالی عمده و منافع جنایی در این کشور و خارج از کشور را به هم مرتبط می‌کند»

در سال 2012، **دیلی میل** گزارش داد که HSBC، بزرگترین بانک بریتانیا، به دلیل اجازه دادن به "ایالت های سرکش و کارت های مواد مخدر برای شستن میلیاردها پوند از طریق شعبه های خود" و تبدیل شدن به "مجری برای شرکت های مجرمانه" با جریمه های 640 میلیون پوندی مواجه شد.

میلیاردها سودی که از تجارت هروئین افغانستان به بانک های غربی سرازیر می شود، اکنون نه یک بار، بلکه دو بار در دو دهه گذشته توسط طالبان حذف شده است.

اعلامیه ملا عمر رهبر طالبان در جولای 2000 مبنی بر اینکه کشت خشخاش "غیر اسلامی" است، از این رو دلیل محتمل تر تحریم های ایالات متحده در دسامبر همان سال و حمله ایالات متحده به افغانستان یک سال بعد از آن بود. هرگونه تمایل آمریکا برای دستگیری **بن لادن** و از بین بردن القاعده.

در مارس 2002، تنها شش ماه پس از بمباران و حمله به افغانستان، یک روزنامه نگار از رئیس جمهور **بوش** پرسید: "**اسامه بن لادن** کجاست؟" **بوش** پاسخ داد: «نمی دانم. من واقعاً زیاد به او فکر نمی کنم. من آنقدر نگران نیستم».

تجارت مواد مخدر افغانستان به عنوان یادآور ارتباط پیچیده بین ژئوپلیتیک، اقتصادهای غیرقانونی و مالی جهانی و نیاز به شفافیت و پاسخگویی بیشتر در رسیدگی به این مسائل پیچیده است.

شواهد تاریخی همچنین این روایت ساده انگارانه را که طالبان عمدتاً تجارت مواد مخدر افغانستان را کنترل می کنند، به چالش می کشد و نقش مسلط دولت افغانستان تحت حمایت ایالات متحده و متحدانش در **سیا** را برجسته می کند.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

زمانی که ویلیام ون واگنن در حدود سال 1925 به دنیا آمد، مادرش مری، 24 ساله بود. در سال 1940، او 15 ساله بود و با مادر، برادر، خواهر و مادر بزرگش در کاترورت نیویورک زندگی می کرد.

----- **با تقدیم احترامات «2023-07-12»**